

فصلنامه علمی «انگیزه‌ها» شماره اول، بهار ۱۳۸۵



نگاه سیدحیدر آملی به تفسیر عرفانی نجم‌الدین رازی

دکتر ممدرضا مومدی ▪
استادیار دانشگاه قم

چکیده

سیدحیدر آملی از نخستین عالمان شیعی است که در تطبیق مبانی تشیع و تصوف سعی بلیغ کرده است. او در آثار عدیده خود، همچون: *اسرار الشریعه* و *جامع الاسرار* بر محوریت بحث ولایت در عرفان نظری تأکید ورزیده است. وی در یکی از آثارش که تفسیری است عرفانی بر قرآن به نام *المحیط الاعظم*، بر مبنای تفسیری از شیخ نجم‌الدین رازی صاحب کتاب *مرصاد العباد طیّ* طریق کرده است. سیدحیدر آملی خود در مقدمه این تفسیر و دو اثر دیگر خود، مقدار و شیوه بهره‌گیری‌های خود را از نجم‌الدین رازی بیان کرده است.

کلیدواژگان: سیدحیدر آملی، شیخ نجم‌الدین رازی، *المحیط الاعظم*، *بحر الحقائق*، تشیع، تصوف.

مقدمه:

سیدحیدر آملی^۱ از جمله عالمان عارفی است که در زمینه تفسیر نیز قلم زده است و خوشبختانه مقداری از یافته‌های تفسیری او به چاپ رسیده است. گفتار سیدحیدر، هم به لحاظ قرابت زمانی که با روزگار تألیف بحر الحقائق داشته و هم از جهت گستردگی دانش او در علوم نقلی و عقلی و عرفان نظری، بسیار اطمینان بخش است و پرده از موقعیت ویژه و ممتازی که تفسیر دایه در میان عارفان و مفسران یک سده پس از وی داشته، برمی‌دارد.

همچنین سید حیدر آملی این ویژگی را دارد که بر خلاف بسیاری از عالمان و عارفان سلف، زندگینامه خود نوشتی برجای نهاده است و در آن از توفیقات الهی و مدارجی که طی نموده و اندیشه‌ها و آثار خود به تفصیل سخن گفته است. مهم تر اینکه در زندگینامه خودنوشت، درباره انگیزه خود از نگارش برخی آثار، توضیحاتی ارائه داده است. او زندگینامه و معرفی آثار خود را دست کم در ابتدای دو کتاب مهم خود، یعنی: *نص النصوص فی شرح فصوص الحکم و تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم*، درج کرده است و در هر دو مورد آنگاه که به معرفی تفسیر تأویلی خود (*المحیط الاعظم* و...) می‌پردازد، یادآور می‌شود که این تفسیر را دربرابر تفسیر نجم‌الدین دایه موسوم به *بحر الحقائق* نوشته است.

بخشی از عبارت سید حیدر آملی در المقدمات من کتاب نص النصوص (البته با ویرایش عثمان یحیی) چنین است:

«ثم بعد الكل، فی هذه المدة الطويلة التي هي ثلاثون سنة كاملة (فرغت ايضاً) من تأويل القرآن الكريم الموسوم بـ «المحيط الاعظم و الطود الاشم في تأويل كتاب الله العزيز المحكم» المرتب على سبع مجلدات كبار، بازاء تأويل الشيخ الاعظم نجم‌الدین الرازی، المعروف بـ «دایه» - قدس الله سره - فإنه رتب كتابه على ست مجلدات كبار، بعد تسميته بـ «بحر الحقائق و منبع الدقائق» و نحن اردنا أن يكون لنا (تفسیر) على قرنه من كل الوجوه، و بمقتضى الحديث الوارد فيه ايضاً: «ان للقرآن ظهراً و بطناً الى سبعة ابطن»، و (بمقتضى) اشتماله (ای القرآن الكريم) على السبعات المعلومة و غير ذلك مما اوجب ترتيبه عليها، و اشتهر ذلك (التفسیر) في اكثر الاقاليم

سیدحیدر آملی، زندگینامه، فصل اول، شماره اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۵

و البلدان، و تحققت صورته عند اعظام اهل التحقيق و العرفان، و تقرّر بینهم انه عديم المثل و النظير لا سيما فى علوم القرآن، و انه ليس بكسب و لا اجتهاد، بل افاضة غيبية بطريق الكشف من حضرة الرحمن.» (شيخ حيدر آملی، ۱۳۶۸، ص ۱۳ و ۵۳۶)

ترجمه متن:

و بعد از تألیف تمامی اینها (۳۵ کتاب و رساله) در این مدت طولانی که بالغ بر سی سال کامل می‌شود، دست به تألیف کتاب دیگری در تأویل قرآن کریم زدم موسوم به المحيط الاعظم و الطود الاشم فی تأویل کتاب الله العزيز المحکم که در هفت جلد بزرگ نگاشته شده و این کتاب در برابر تأویل شیخ نجم‌الدین رازی معروف به دایه (قدّه) است؛ زیرا کتاب او که موسوم به بحر الحقائق و منبع الدقائق است مشتمل بر شش جلد بزرگ است و ما نیز خواستیم تفسیری داشته باشیم که از هر لحاظ مانند تفسیر او باشد و لذا به مقتضای حدیث شریف «للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه الی سبعة ابطن» و نیز به مقتضای اشتمال قرآن کریم بر سبعت معلومه و دیگر دلایل، آن را در هفت مجلد مرتب کردم و این تفسیر در اکثر کشورهای جهان مشهور گردید و صورت آن را نزد بزرگان از اهل معرفت و عرفان تحقیق کردیم بر آنان معلوم شد که این کتاب خصوصاً از لحاظ اشتمال آن بر علوم قرآنی نظیر و مانندی ندارد و این چیزی نیست که به کسب و کوشش فراچنگ آمده باشد، بلکه افاضة‌ای غیبی است که به طریق کشف از حضرت رحمان نصیب من گردیده است. (شیخ حيدر آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۱-۱۲)

سید حیدر در بحث‌های مفصلی که در مقدمه المحيط الاعظم آورده و تأویلات خود را با دیگر تأویلات عارفان پیش از خود، سنجیده است، چندین مرتبه از شیخ نجم‌الدین دایه و تفسیر او یاد می‌کند و هیچ ذکری از شیخ نجم‌الدین کبری و نظریه تأویلی او به میان نمی‌آورد. این عدم نقل از سوی سید حیدر آملی بسیار حائز اهمیت است.

سید حیدر آملی در جایی از مقدمه کتاب المحيط الاعظم، پس از بیان انگیزه خود از تنظیم هفت مقدمه، به مقایسه چهار کتاب تفسیری و تأویلی (کشاف، مجمع البیان، بحر الحقائق و تأویلات عبدالرزاق کاشانی) می‌پردازد و ضمن برشمردن

هدیه شخصی «الکتاب» در تمام کتابخانه‌ها
اول، شماره اول، پانز ۱۳۸۵

امتیازات بسیار برای هر یک از این تفاسیر، کاستی‌هایی چند نیز برای آنها برمی‌شورد. برای نمونه درباره تأویلات کاشانی می‌نویسد:

«... نکته دیگر اینکه کمال الدین در اصول به معتزله و شیعه تمایل دارد، کما اینکه شیخ نجم‌الدین به اشعریه و سنت تمایل است و جمع میان این دو گرایش، همانند جمع میان آن دو تفسیر (کشاف و مجمع‌البیان) است و کتاب تأویل ما جامع هر دو دیدگاه است و به جانبی خاص تمایل و منحرف نشده و تنها جانب حق را پاس داشته است که این خود عادت اهل الله و اهل ذوق است و...» (المحیط الاعظم، ج ۱، ص ۲۳۵)

به هر حال همان گونه که مرحوم هائری کربن نیز در مقدمه دوم خود بر کتاب «جامع الاسرار و منبع الانوار» سید حیدر آملی تذکر داده‌اند، در تقابل میان برداشت سید حیدر از تفسیر بحر الحقائق و برداشت مستسخ نسخه کتابخانه داماد ابراهیم (که مبنای اظهار نظر فریتس مایر بوده است) قبول رأی این عالم مدقق و مفسر آشنا با تأویل، به اطمینان و اعتماد نزدیک‌تر است.

دیدیم که به تصریح سید حیدر آملی این مفسر و عارف شیعی، کتاب المحيط الاعظم وی در برابری با تأویلات شیخ اعظم نجم‌الدین رازی معروف به دایه نوشته شده است. او در مقدمه این تفسیر و نیز در «مقدمات نص النصوص» درباره انگیزه خود از نگارش المحيط الاعظم سخن گفته است. وی در ضمن عبارات خود اقرار و اعترافی نیز درباره موقعیت و شأن کتاب نجم رازی در میان اندیشه‌مندان و عارفان سایر بلاد دارد، آنجا که می‌نویسد:

«و اشتهر ذلك (التفسیر) فی اکثر الاقالیم و البلدان، و تحققت صورته عند اعظم اهل التحقيق و العرفان و تقرّر بینهم أنه عدیم المثل و النظیر لا سیمّا فی علوم القرآن...» (شیخ سید حیدر آملی، ۱۳۶۷، ص ۱۲ و ۵۳۶)

اگرچه ممکن است این تعبیر شامل تفسیر المحيط الاعظم آملی شود، اما عبارت «ذلك التفسیر» و نه «هذا التفسیر» این احتمال را نیز تقویت می‌کند که مراد آملی از ذلك التفسیر، تفسیر تأویلی شیخ نجم‌الدین رازی باشد. به هر روی پیداست که سید حیدر آملی، تفسیر نجم‌الدین دایه را مطالعه کرده و تفسیر خود را به ازای آن

تألیف کرده است. در باب اهمیت تفسیر سید حیدر آملی، بی‌مناسبت نیست بخشی از سخنان هانری کربن را نقل کنیم:

«این کتاب، تفسیری عرفانی است که سیدحیدر، ژرفای اندیشه خود را در آن بیان کرده است همان‌طوری که خلاصه حکمت نبوی خود را در رساله العلوم الالهیه آورده است. این امر که المحيط الاعظم و العلوم الالهیه به خط مؤلف در کتابخانه الغرویه در نجف نگهداری شده دارای معنای ژرفی است. متذکر شدیم که آقای عثمان یحیی در مأموریت تحقیقاتی خود در سپتامبر ۱۹۶۸ طبق اشارات شیخ آقا بزرگ تهرانی این نسخه‌ها را در نجف دیده است. نخستین مجلد المحيط الاعظم در کتابخانه آیت‌الله سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی در قم نگهداری می‌شود.

از آنجایی که در آثار خاورشناسی کوچک‌ترین اشاره‌ای به این اثر نمی‌توان یافت، پیدا کردن آن بسیار پرارزش است. اشارات فهرست‌ها در مقایسه با اظهارات سید حیدر درباره اثر عظیمی که در سال ۷۷۷ هجری به پایان رسانده، دارای اهمیت کمتری است. در اینجا دو فقره از نص النصوص را که مؤلف درباره اثر بزرگ خود توضیح می‌دهد، می‌آوریم:

«و اما الذی لنا [من الکتب] فذلک ایضاً کتابان: الفائض علینا و الصادر منا. اما الفائض علینا، فهو التأویلات للقرآن الکریم المشتمل علی العلوم المعارف الالهیه القرآنیة و من انفسها و اشرفها، المحتوی علی الرموز و کنایات المصطفویه و الدقایق الحقایق المحمدیه، الصادق علیها ما قال الحق فی حق بعض عبیده الخواص: اعددت لعبادی الصالحین ما عین رأی و لا أذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر. و من هنا صار [هذا الکتب] موسوماً بالمحیط الاعظم و الطود الاشم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم و صار مرتباً علی مجلدات سبعة تبرکاً بسبعة من الانبیاء الکبار و بسبعة من الاقطاب و بسبعة من الابدال، بحيث تكون مقدماته مع الفاتحة مجلداً واحداً کل سدس منه مجلد آخر. و هذا کالفصوص بالنسبة الی الشیخ و کالقرآن لنسبة الی النبی و ترتیبه انه مقدم علی تسعة عشر من المقدمات و الدوائر، لان المقدمات سبعة و

فصل پنجم در بیان اهمیت و ارزش آثار سید حیدر

۱۳۸۵

الدوائر اثنى عشر، تطبيقاً بالعالم الصوري و المعنوي و الكتاب الانفسى و الكتاب الآفاقي، فان كل واحد من هذا العوالم منحصره في تسعة عشر.»

در اینجا دو مطلب جالب توجه است؛ از سویی سیدحیدر بر این نکته اشاره می‌کند که فصوص، اثری الهام شده است؛ زیرا، که این کتاب توسط حضرت محمد ﷺ - که خود در عالم ملکوت دریافت کرده بود - در خواب به ابن عربی منتقل شده است. با مقایسه تفسیر با فصوص ابن عربی، حیدر آملی می‌گوید که تفسیر وی اثری نیست که از وی صادر شده باشد، بلکه کتابی است الهام شده که از نظر عرفا باب آن به دنبال بسته شدن دایره نبوت باز است. از سوی دیگر ساختار مقدمه تفسیر چنانکه حیدر آملی توضیح می‌دهد با ساختار سلسله مراتب مقامات معنوی مطابقت دارد: هفت پیامبر بزرگ و دوازده امام که به طور کلی نوزده وجه می‌شود. وقتی سیدحیدر از دوائر سخن می‌گوید، به نظر می‌آید که این فکر به جداول پیچیده‌ای مربوط می‌شود که خود او ترتیب داده است.

در جای دیگر از نص النصوص حیدر آملی درباره تفسیر بزرگ خود می‌گوید: «المرتب علی ست مجلدات کبار، بازاء تأویل الشیخ الاعظم نجم‌الدین رازی، المعروف بدایه، قدس الله سره، فانه رتب کتابه علی ست مجلدات کبار، بعد تسميته بیحر الحقایق و منبع الدقایق. و نحن اردنا ان یکون لنا کتاب علی قرنه من کل الوجوه. و بمقتضى الحديث الوارد فيه ايضاً: ان للقرآن ظهراً و بطناً الى سبعة ابطن و اشتماله علی السبعات المعلومة و غير ذلك مما اوجب ترتيبه عليها و اشتهر ذلك في الاقاليم و البلدان و تحقق صورته عند اعظم اهل التحقيق و العرفان و تقرر بينهم انه عديم المثل و النظير لا سيما في علوم القرآن و انه ليس بكسب ولا اجتهاد، بل افاضة غيبية، بطريق الكشف من حضرة الرحمن.»

بدین ترتیب حیدر آملی لا اقل طرح تفسیر عرفانی و راز محتوای آن را به ما می‌نمایاند. امیدواریم که بتوانیم در آینده جزئیات این تفسیر عرفانی را مورد بررسی قرار داده و ویرایشی از آن ارائه دهیم. (سید حیدر آملی، جامع الاسرار و منبع الانوار، ص ۵۲).

.....
 حیدر آملی «الکتاب و آیات و علوم الاسرار»
 شماره اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۵

مع الأسف باید گفت تا کنون همه مجلدات این تفسیر تأویلی شیعی یافت نشده و آن مقدار از تفسیر که به دست آمده و تصحیح و چاپ شده است، تنها شامل مقدمات هفتگانه سیدحیدر آملی بر تفسیر قرآن خویش است و هنوز به متن سوره‌ها و تفسیر آیات نرسیده است. با این حال در همین مقدار موجود از تفسیر المحيط الاعظم نیز شیخ نجم‌الدین رازی حضور دارد و مطالبش مورد نقد و بررسی سیدحیدر آملی قرار گرفته است.

سیدحیدر در مقدمه نخست از تفسیر خود، به هنگام تفکیک میان تفسیر و تأویل و تفسیر به رأی، می‌نویسد:

«... و اگر چنان نبود که تفسیر تنها از آن رو جایز است که ناقل روایات صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، هیچ گاه متعرض تفسیر نمی‌شدم؛ نه به سراغ آن دو تفسیر (کشاف و مجمع البیان) می‌رفتم و نه غیر آنها. اشاره نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیز به همین مضمون است که: من فسّر القرآن برأيه فليتبوأ مقعده في النار».

این مطلب را ائمه و عالمان دینی و نویسندگان تفسیر در گفتار خود آورده‌اند از آن جمله شیخ کامل نجم‌الدین رازی - قدس الله سره - در ابتدای تأویلات خود این مضمون را بعینه ذکر کرده و گفته:

«تفسیر، علم شناخت نزول آیات و شأن نزول و قصص و اسباب نزول آیات است و این علم با شاخه‌هایی که دارد جز به طریق سماع (شنیدن از محدثان دیگر) برای مردم دست یافتنی نیست. اما تأویل، بازگرداندن آیه است به معنایی که ضمن موافقت با ماقبل و مابعد آیه، بر آیه قابل تطبیق باشد و بر عالمان نیز استنباط آن معنا و پذیرش آن ناپذیرفتنی نباشد، به شرط آنکه با کتاب و سنت نیز موافق آید. خدای تعالی در این باره فرموده است:

فَإِنْ تَزَعَّمْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا [سوره نساء، آیه ۵۹]

و نیز فرموده است:

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَا تَبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا [سوره نساء، آیه ۸۳]

فصلنامه علمی راهگشا، روایات و علوم آحاد اسلام، شماره اول، شماره اول، پائیز ۱۳۸۵

بنابراین نقل کردن از کتب گذشتگان و استشهاد به کلام محققان، برای من، بعدی و قرابتی نداشته است؛ اگر چنین می‌کردم (کاری مذموم شناخته نمی‌شد) و این راهی نیست که دیگران نپیموده باشند، چرا که نقل از گذشتگان، سنتی رایج در میان عالمان و اصحاب فضل، به ویژه نویسندگان فاضل بوده است. از جمله باید از شیخ نجم‌الدین رازی یاد کرد، چرا که او در آغاز کتاب تأویلی خود نوشته است [مباحثی حدیثی] تفسیر خود را از کتاب ثعلبی^۲ گرفته است که او نیز مطالبش را از میان صد کتاب یا بیشتر گرد آورده است. و همو تأویلات خود را از اقوال مشایخ مورد وثوق - که از بیش از سیصد شیخ تلقی قول داشته - گرفته است، به جز آنکه خود در کتاب‌ها و رسائل و جزوه‌های متفرقه خوانده است.

اما بحمدالله مواردی که من (سیدحیدر آملی) نقل کرده‌ام، تنها از دو کتاب تفسیری (مجمع‌البیان و کشف) است، آن هم در نهایت اختصار و ایجاز بوده است. این در مورد دو کتاب تفسیری.

اما در مورد دو کتاب تأویلی (تأویلات شیخ نجم‌الدین دایه و تأویلات کاشانی) که من به آنها نظر داشته‌ام، باید گفت:

انگیزه من از توجه به تأویل شیخ نجم‌الدین - قدس سره - تنها برای نقل از آن نبوده است - آن گونه که در تفسیر چنین می‌کنند - چرا که جز در موارد نادری، چیزی از آن نقل نکرده‌ام و آن هم تنها برای بیان اختلاف در کلام ما و کلام او، همچنین تفاوت دریافت‌های ما و دریافت‌های او بوده است و اینکه نشان دهیم که ما نیز این مباحث را از سرچشمه‌های دیگر، شناخته‌ایم، و الا به عنایت الهی و حسن توفیق ربّانی از نقل مطالب او و دیگران از این حیث، بی‌نیازیم.

بنابراین، مقصود من از تأویل، جز آنچه ذکر شده، این بوده که هر جا نکته‌ای یا لطیفه‌ای عرفانی بوده، به قدر تلاش و توانایی خود، آن را بیان کنم و اگر آیه یا سوره‌ای بر وفق مرام ارباب توحید، تأویل نشده باشد، صلاح و فساد آن را آشکار سازم و بر شیوه‌ای که سزاوار است، تأویل کنم و ...». (سیدحیدر آملی، ۱۴۱۶، ص ۲۳۲ و ۲۳۳)

پی‌نوشته‌ها:

۱. آملی بهاء‌الدین حیدر بن علی بن حیدر علوی حسینی (۷۲۰- پس از ۷۸۲ هجری). عارف شیعی امامی پس از تحصیل دانش‌های متداول زمان در آمل و خراسان و اصفهان، به مشاغل دیوانی پرداخت و به خدمت فخرالدوله شاه غازی بن‌زید از ملوک رستمدر طبرستان درآمد و از خواص مجلس او گردید و سرانجام به وزارت رسید. در ۳۰ سالگی تحولی در وجودش پدید آمده و بر آن شد که از مناصب دنیوی کناره گیرد و به تزکیه نفس پردازد. وی به قصد زیارت کعبه مال و جاه و ریاست و خویشان و یاران را رها ساخت و خرغای کهنه پوشید و از آمل بیرون آمد و به اصفهان رفت و مدتی در آنجا به تصفیه باطن پرداخت. از میان مشایخ آن شهر به نورالدین تیرانی (تیران: روستایی نزدیک دروازه اصفهان از سوی دردمشت) دست ارادت داد و از انفس او بهره‌مند گردید. سپس آهنگ بغداد کرد تا پس از زیارت عتبات به حج رود، اما به سبب آماده نشدن امکانات سفر و ابتلا به بیماری سخت، این مسافرت به تأخیر افتاد ولی در اراده‌اش خللی راه نیافت و سرانجام در ۷۵۱ق/ ۱۳۵۰ م، به زیارت خانه خدا نایل شد. پس به شوق دیدار تربت پاک پیامبر(ص) به مدینه رفت و آهنگ ماندن در آن شهر کرد. اما به علت بیماری ناچار به عراق بازگشت و در نجف اشرف به ریاضت و طاعت پرداخت. در عراق با فخرالدین محمد فرزند علامه حلّی و مولی نصیرالدین کاشانی و دیگر فقیهان و عالمان امامی معاشر گردید و از شیخ فخرالدین و حسین بن حمزه هاشمی اجازه روایت گرفت (ریاضی العلماء، افندی ۲/۲۱۹) و به اشاره فخرالدین رساله رافعة الخلاف فی وجه سکوت امیرالمؤمنین عن الاختلاف را نوشت.

سال درگذشت سیدحیدر آملی به درستی معلوم نیست. همین اندازه معلوم است که وی تا ۷۸۲ق/ ۱۳۸۰ م، که شرحی مفصل بر فصوص الحکم ابن عربی نوشته، زنده بوده است. خود می‌گوید: «سپس اشارتی شد به فصوص الحکم و این در وقتی بود که ۳۰ سال مجاور نجف بودم. کتاب را در ۷۸۱ق آغاز کردم و در ۷۸۲ق به پایان بردم و در این هنگام ۶۳ سال از عمرم می‌گذشت. (جامع الاسرار، مقدمه، ۱۳)

بدین سان او بایستی پس از این تاریخ در گذشته باشد. آملی در نوشته‌های خود می‌کوشد وحدت تصوف و تشیع را ثابت کند و عقیده دارد که: شیعی و صوفی دو اسمند برای یک معنی.

آثار عمده او عبارت است از: ۱. الأركان فی فروع شرایع اهل الایمان، بحثی است درباره نماز، روزه، زکات، حج و جهاد از دید اصحاب شریعت و ارباب طریقت؛ ۲. اسرار الشریعة و اطوار الطریقة و انوار الحقیقة، این کتاب به کوشش محمد خواجوی در ۱۳۶۱ش در تهران به چاپ رسیده است؛ ۳. امثلة التوحید و ابنة التجرید، این رساله در برابر لمعات فخرالدین عراقی به فارسی نوشته شده است؛ ۴. البحر الخضمّ فی تفسیر القرآن الاعظم؛ ۵. تلخیص اصطلاحات الصوفیه که تنقیح رساله اصطلاحات الصوفیه عبدالرزاق کاشانی است؛ ۶. جامع الاسرار و منبع الانوار. تألیف

آن در ۷۶۸ ق به پایان رسیده است. مؤلف در این کتاب کوشیده است تا یکسانی مشرب تصوف و مذهب شیعی امامی را با یکدیگر ثابت کند. چنانکه خود گوید: «این کتاب مبتنی است بر سخنان محققین از اهل الله که صوفیه نامیده می‌شوند و موافق است با مذهب شیعه امامیه و مطابق است با اصول و قواعد هر یک از این دو» (ص ۳)؛ ۷. جامع الحقائق که رساله‌ای است به فارسی؛ ۸. الاسماء الالهیة و تعیین مظاهرها من الاشخاص الانسانیة که رساله‌ای است در تعیین مظاهر اسماء الهی در میان انسانها از آدم تا خاتم؛ ۹. الامانة الالهیة فی تعیین الخلافة الربانیة؛ ۱۰. التنبيه فی التذیبه؛ ۱۱. التوحید؛ ۱۲. الجداول الموسومة بمدارج السالکین فی مراتب العارفين. این رساله مشتمل است بر ۱۰۰ مقام از اصول مقامات و ۱۰۰۰ مرتبه از فروع مراتب و همانند کتاب منازل السائرین عبدالله انصاری است؛ ۱۳. الحجب و خلاصة الكتب، در تحقیق آیه شریفه «ثم فی سلسلة ذرعا سبعون ذراعاً» و حدیث نبوی «ان لله سبعین الف حجاب من نور و ظلمة» است. ۱۴. رافعة الخلاف عن وجه سکوت امیرالمؤمنین عن الاختلاف؛ ۱۵. العقل و النفس؛ ۱۶. العلم و تحقیقه، در بیان موضوع علم متکلمان و حکیمان و صوفیان و مسائل و محمولات و مبادی هر یک؛ ۱۷. الفقر و تحقیق الفخر. درباره تطبیق احادیث وارده در باب فقر با یکدیگر؛ ۱۸. کنز الكنوز و کشف الرموز؛ ۱۹. «المعاد فی رجوع العباد، درباره معاد و قیامت صغری و کبری، توضیح اینکه قیامت‌ها به ۱۲ قیامت صوری و معنوی تقسیم می‌شوند؛ ۲۰. منتخب التأویل فی بیان کتاب الله و حروفه و کلمات آیات، این رساله تلخیص کتاب بحر الخضم فی تفسیر القرآن الاعظم است؛ ۲۱. رساله النفس فی معرفة الرب؛ ۲۲. الوجود فی معرفة المعبود؛ ۲۳. نقد النقود فی معرفة الوجود که منتخبی است از رساله الوجود و همراه با جامع الاسرار در ۱۳۴۷ ش در تهران به چاپ رسیده است؛ ۲۴. الاصول و الأركان فی تهذیب الاصحاب و الاخوان که مشتمل است بر اصول و فروع پنجگانه و هر یک دایره بر سه مرتبه شریعت و طریقت و حقیقت؛ ۲۵. تعیین الأقطاب و الأوتاد؛ ۲۶. المحيط الاعظم فی تأویل کتاب الله العزيز المحکم، کتابی است که بر اساس حدیث «ان للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطناً الی سبعة أبطن» نوشته شده است. آملی این کتاب را در مقابل تفسیر بحر الحقائق و منبع الدقائق شیخ نجم‌الدین رازی تألیف کرده است و در اهمیت آن می‌گوید نسبت این کتاب به من همانند نسبت فصوص الحکم است به ابن عربی؛ ۲۷. المسائل الاملیة. نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است؛ ۲۸. منتخبات انوار الشریعة؛ ۲۹. منتقى المعاد فی مرتقى العباد که گزیده‌ای است از المعاد؛ ۳۰. نص النصوص که کتابی است مفصل در شرح فصوص الحکم ابن عربی. آملی این کتاب را به سلطان احمد بهادرخان از سلاطین جلایری اهدا کرده و در ۷۸۲ ق در بغداد از نوشتن آن فارغ شده است. این کتاب به کوشش کربن و عثمان یحیی در ۱۳۵۲ ش در تهران به چاپ رسیده است؛ ۳۱. نهاية التوحید فی بداية التجريد که گزیده‌ای است از جامع الاسرار.

مجله تخصصی «بیدار» شماره اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۵

برای اطلاع بیشتر، ر.ک: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، مدخل آملی؛ نیز: سیدحیدر آملی، جامع الاسرار و منبع الانوار به انضمام رساله نقد النقود فی معرفة الوجود، با تصحیحات و دو مقدمه از هنری کربن و عثمان اسماعیل یحیی، تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۸، صفحه بیست و دو تا چهل، همچنین صفحه پنجاه تا پنجاه و شش.

۲. مقصود سید حیدر آملی از کتاب ثعلبی، «الکشف البیان عن تفسیر القرآن» اثر ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم الثعلبی (وگاه الثعلبی) معروف به تفسیر ثعلبی است. این تفسیر که در بیروت به چاپ رسیده است، تفسیر مأثور است و بدیهی است که آملی نمی‌خواسته مباحث تأویلی شیخ نجم‌الدین رازی را به ثعلبی منسوب بدارد.

ر.ک: ابواسحاق احمد ثعلبی، الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، دراسته و تحقیق: الامام ابی

محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ هـ، ۲۰۰۲ م.

منابع و مآخذ

۱. آملی، سید حیدر؛ جامع الاسرار و منبع الانوار، به انضمام رساله نقد النقود فی معرفة الوود، با تصحیحات و دو مقدمه از هنری کرین و عثمان اسماعیل یحیی، تهران: انجمن ایران شناسی فرانسه و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۲. آملی، سید حیدر، مقدمه کتاب نص النصوص در شرح فصوص الحکم، ترجمه محمدرضا جوزی، تهران: انتشارات روزنه، چاپ اول ۱۳۷۵.
۳. آملی، سید حیدر؛ المحيط الاعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز الحکیم، تصحیح سید محسن موسوی تبریزی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴.
۴. آملی، سید حیدر؛ المقدمات من کتاب نص النصوص، به اهتمام هنری کرین و عثمان اسماعیل یحیی، تهران، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
۵. ثعلبی، ابواسحاق احمد؛ الكشف و البیان (معروف به تفسیر الثعلبی)، دراسته و تحقیق: الامام ابی محمبن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۶. رازی، نجم الدین؛ بحر الحقائق و المعانی، نسخه آستان قدس رضوی، شماره ۱۲۱۶.
۷. رازی، نجم الدین؛ بحر الحقائق و المعالی، نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی شماره ۵۴۱۰.
۸. رازی، نجم الدین؛ مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، به تصحیح دکتر محمد امین ریاحی؛ تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنج ۱۳۷۳.